



مستند نمایشی، نمایش کوتاه، گزارش خبری، برنامه می‌برو را یتگری خواهد بود.  
سلیمانی» به همت اداره کل هنرهای نمایشی رادیو و

شامل نمایش تک قسمتی ترکیبی، مستند پرته مینی نخستین جشنواره «نشا» مقاومت، زیرال و استکبار جهانی و رفیق خوشبخت ما برگزار می شود همچنان تا ۲۳ آبان ماه در دو بخش مردمی و حرفه ای منتظر دریافت آثار شرکت کنندگان است. بخش مردمی این جشنواره شامل ساختار آزاد، نمایش کوتاه، قطعه رادیونمایش، نمایش نامه نویسی، روایتگری و خاطره کوبی است و بخش حرفه ای آن

مهلت دریافت آثار «نشان سلیمانی» تمدید شد

مهلت ارسال آثار به دیرخانه نخستین جشنواره سردار مقاومت و رادیو با عنوان «نشان سلیمانی» تا ۲۳ آبان تمدید شد. به گزارش اداره کل هنرهای نمایشی رادیو، نخستین جشنواره سردار مقاومت و رادیو با عنوان «نشان سلیمانی» که با موضوعات شخصیت سرداران ها، حاج قاسم، سیهده شهد و جبهه

روح‌ا... صدیقی، یکی از نویسنده‌گان سریال از ریتم تند فصل سوم و احتمال ادامه داستان گفت

## شاید فصل چهارم را هم ببینیم

حال پیش بینی نمی کردیم قرار است هر فصل در سه زمان جدا بخش شود و فکر می کردیم که پشت سرهم کل سریال روی آتنن می رود. الان هم راضی هستیم چون مخاطبانی که در دو سری قبیل با ما همراه شدند، منتظر ماندن و با آن پیش آمدند. باز هم در مورد این فصل امیدوار هستیم که این انتظار برایشان در ادامه کار هم خوشحال کننده باشد.

با همه اینها یعنی بعد از پخش فصل اول و دوم و بیشتر شناختن شخصیت ها، دیگر سراغ فیلم نامه نرفتیدتا با آن شناخت تغییرات رادر کاریجاد کنید؟

زمانی که پخش شروع شد، برای آن که فصل های بعدی را جلو ببریم، یک سری بازنویسی ها و تغییرات اتفاق افتاد. چون دیدن فضای سریال به هر حال به ما کمک بیشتری می کرد. همان روزها هم من و آقای سلطانی سرمیز تدوین می رفتیم و سکانس هارامی دیدیم؛ اتفاقی که قطعاً تاثیر مثبتی روی ادامه روند نگارش و بازنویسی گذاشت. از سوی دیگر خود کارگردان ها هم وقتی جلوتر فرند و شخصیت ها را دیدند، گاهی تصمیم می گرفتند در اجرای تغییراتی ایجاد کنند. باز خود ها هم بخش دیگری بودند که روی این روند تاثیر گذاشتند. با این حال باید بگوییم همه اینها خیلی کم اتفاق افتاد، چون همان طور که گفتم اکثر من نوشته و آماده شده بود و تنها چند رصد از این تغییرات در بازنویسی ها اتفاق افتاد.

فصل چهارم از سرنوشت راهنمی بینیم؟

ما طراحی هایی برای ادامه این مجموعه بیش بینی کردیم و آمادگی برای ساخت فصل ۴ را داراییم اما قطعی شدن این ماجرا بستگی به تصمیم نهایی مدیران دارد و باید دید که در آنده حه مر شهد.

و پریان کارهای بیشتر می شود. به همین دلیل چه ادرونوی درام و چه فضای بیرونی که آن را در قصه می بینیم جریانی را شاهد خواهیم بود.

هر سریالی که پیش می رود و ادامه دارمی شود، مسئول سنجکنی تری را برای جلب مخاطب به دوش می کشد. نگران چگونگی این ادامه نبودید؟

این مساله برای ما رخ نداد، به این دلیل که سه فصل ابتداه مزمان نوشته بودیم. زمانی که من کارشن را شروع کردیم، این سریال مجموعه ای بود که در سه مقطع کو نوجوانی و جوانی اتفاق می افتد و برای این سه ز کامل داستان را نوشتیم. همان زمان هم بلاغاً صله فصل دوم، تصویربرداری سری سوم هم شروع شد. دلیل ماجراهای تولید... این فصل با صله زمانی امی بینید، روی آنthen رفت. در اوقات ابتدام این سه فصل تحويل دادیم و بعد ساخت سریال شروع شد.

این اتفاق خوبی است چون گاهی تازه بعد از این سریال تصمیم می گیرند که فصل بعدی آن را بسازند. به همین دلیل جریان به شما و انسجام کارهای زیادی کرد، مگرنه؟

درست است، به هر حال چو یک قصه را پیش می بیرم ک شخصیت را زکر کودی، تا جوانی همراهی می کند، در این سه مقد که برای قصه گویی انتخاب کرد در اوقات داریم یک داستان سانحه مم، سانحه. با

از گروه نویسندها که این سریال را شامل روح ا... صدیقی، محمد محمود سلطانی و سارا خسروآبادی هستند، گفتیم گروهی که شاکله این قصه را از ابتدا باهم نوشتند و طراحی آش کردند. در این گزارش هم به نماینده از بقیه این گروه سراغ روح ا... صدیقی رفتیم تاکم و کیف اتفاقاتی که قرار است شب های دیگر در از سرنوشت ببینیم را جویا شویم.

من دانیم که باید منتظر ماند و دید که در ادامه قرار است داستان ما را به کجا ببرد، اما کمی از جنس اتفاقات و چالش هایی که این سری قرار است ببینیم، می گویید؟

می توانم بگوییم مادر ادامه روابطی که برای سهراب و هاشم داشتیم، پیش رفتیم اما در این سری روابط عاشقانه و هم ماجراهای کاری و اجتماعی شان به اوج التهاب ها می رسد. همچنین در گیری سهراب با خانواده و هویتش هم جزو قصه هایی است که در این فصل به سرانجام خودش می رسد. جریانی که پراز کشمکش و تعلیق است و فضای را نسبت به قبل جذاب تر کرده است چون مادر طراحی به شکلی بیش رفتیم که داستان سریال در فصل سوم به اوج خودش برسد. به همین دلیل خیلی امیدوار هستیم مخاطبانی که کار را دنبال کرده و می کنند، انتظارات شان برآورده شود و فصل جالب توجهی را بینند.

پس می شود گفت یتم سریال در این سری بیشتر قابل است؟

بله، از آنجا که هر کدام از این اتفاقات هر چه بیشتر پیش می رود، ملتهب تر می شود

نامه د آگاه، بتهم

فصل سیزدهم سریال «از سرزمین شویت» / گشتهای پیمان گلرم و محمد رضا خوش

A scene from a movie or TV show featuring two men. The man on the left, wearing a blue cap and vest over a paisley shirt, is looking down at a piece of paper he is holding. The man on the right, with a beard, is looking at him. They are in an indoor setting with arched doorways in the background.

## گفت و گو با حبیب دهقان نسب درباره از سرنوشت ۳

# گره‌ها بازمی‌شود

[View all products](#)



**حبيب دهقان نسب، بازیگر نقش نگهدار:** شخصیت نگهدار در هر فصل سریال ازرسنوت حضور دارد و مخاطب او را فصل اول ییده است. اما برخلاف فصل دوم که کمرنگ بود، در این فصل از سریال پرنزگتر می‌شود. در واقع مخاطب در این فصل از سریال بنابراین صبورت قصه بیشتر با این شخصیت آشنا می‌شود و متوجه گرهای فتاری و کاری او می‌شود. در واقع قرار است روابط و ارتباطات بیشتر مشخص شود و داستان شخصیت‌ها کامل‌تر شود. ممکن است در فصل‌های اول و دوم، کمی شخصیت نگهدار مبهم بوده، اما در این فصل ابهام ازین می‌رود. ضمن این که ممکن است شخصیت نگهدار از دیدگاه برخی‌ها منفی هست، اما من هرگز نقش‌های منفی ای به گونه‌ای بازی نمی‌کنم که مخاطب با دیدنش ازاو متصرف شوند، زیرا معتقدم همه ما آدم‌ها نکات مثبت و منفی داریم و بستگی دارد در چه موقعیت و محیطی روشنده بادیم، آن وقت است که نسبت به این که با چه مسالئی برخورد کرده‌ایم، رفتارهایی از خودمان نشان می‌دهیم. نگهدار هم مستثنی از این موضوع نیست و به خاطر شرایط زندگی این طور شده است. همچنین فصل اول و سوم را به کارگردانی محمد رضا خردمندان و فصل دوم را با علیرضا بذرافشان کارگردانیم. ممکن است این سوال برای برخی‌ها شکل بگیرد که آیا کار با دو کارگردان تداخل نگاهی در بازی ایجاد می‌کند یا نه؟ باید بگوییم که البته من خودم را حرفه‌ای انتها نخواهیم رسید. اما معمولاً بازیگران حرفه‌ای و با تجربه برایشان متن و شخصیت مهم است و کار با دو یا سه کارگردان تفاوت ایجاد نمی‌کند. ممکن است اختلاف سلیقه وجود داشته باشد، اما اینقدری بود در سریال ازرسنوت که برای من شخصاً تناقض ایجاد نکند. ضمن این که هر دو کارگردان برای یک دفتر کار می‌کردند و به همین دلیل هماهنگی لازم را با هم داشتند. از سوی دیگر من هم از آن دست بازیگران نیستم که در کار کارگردان دخالت کنم، مگر آنکه در صحنه‌ای بازیگر جوانی نظر من را درباره بازی اش بخواهد یا سوالی داشته باشد، من هم راهنمایی اش می‌کنم و اگر نظر و پیشنهادی درباره نقش ام داشته باشم، حتماً با کارگردان صحبت می‌کنم و در صورت موافقت آن را جراحت‌خواهیم کرد. در فصل سوم هم صحنه‌های زیادی با هاشم داشتم و هر زمان او از من می‌پرسید عموماً بازی ام چطور بود؟ به او می‌گفتم، در مجموع در چهار جواب‌ها کمک می‌کنم یا راهنمایی می‌دهم.

# علیرضا استادی، بازیگر شعبان که به جهان تبدیل شد

## از پایان تلح این شخصیت خبر داد

## پایان شعبان، هندی نیست!

ازی علیرضا استادی در نقش شعبان راهم که حتماً یادتان هست. مسؤول بچه‌های کارکه یکی از ولین بدمن‌های قصه و در دسر بزرگی برای شهراب و هاشم بود. ماجرا بیان که حالا با گذشت سال‌های سال همچنان ادامه دارد و باعث شده سایه کارهایش همچنان روی زندگی این دور فرقی افتاده باشد. وهم جزو شخصیت‌های جریانی است که در این سری تکلیف‌پیش معلوم می‌شود و داستانش به سرانجام می‌رسد. گپ و غفچی با ادعا شتیم که در ادامه مشروط و حوش رامی خوانید.

**شعبان چه می‌شود؟** از آنکه بیشتر از چندین ماه از تصویربرداری این سریال گذشته، دقیقاً می‌توانم بگویم که چه رخ خواهد داد و با یاد در شب‌های آتی بینند. اما می‌دانم که او به سزای عملالش رسید و همه خصوصیت و عداوتی که با بچه‌ها داشت، به نحوی به سرانجام می‌رسد و جواب نهارا تو سط همان بچه‌ها می‌گیرد. به همین دلیل می‌توانم بگوییم یا بایان این نقش هندی و با تحول صحیب و غریبی همراه نیست و در کل خلی از اتفاقات سریال هم به سمتی پیش رفته‌اند که به خداهای راهمنده‌های مذهبی و مذهبی‌ترین مکانی.

**هزاراً و فروعهای تغییر کارگردان:** یکی از مزیت های کاربرین بود که با توجه به احاطه دو عزیز به قصه، محلیلی به صورت مشترک برای شخصیت شعبان و تبدیل ظاهري اش به جهان اتفاق افتاد. من هم سعی کردم باورها و آوردهایی که نسبت به این نقش را در هر فصل نزدیک به دیدگاه آقای فردمندان و بدرافتیان کنم و خوشبختانه تواستیم با راهنمایی این دو شخصیت ابه عاقبت برسانیم. با همه اینها برای من این تعامل از یک حیث باترس و دلهره همراه بود که آیا یعنی شخصیت در هر کدام از این فصل ها الان به تفکرات این کارگردان و دیگری نزدیک هست؟ خوشبختانه می توامن بگویم تقریباً این نزدیکی ذهنی هم اتفاق افتاد. این هماهنگی هم سختی های داشت اما بعد با توجه به صحبت هایی که درباره آن شخصیت با هر دو کارگردان داشتیم، با جریانی و به رو شدم که شاید در هر کاری برای من اتفاق نمی افتاد و هم برایم جذاب بود و هم تا حدی ترسناک و گران کننده.

مشخصیت‌ها زحماتی کشیده بودند که با همراهی کارگردان ها با توجه به شناخت کامل شان از قصه، جای نگرانی چندانی برای ادامه باقی نگذاشته بودند. اما فقط از حیث آن که می‌خواستم باوری‌زیر بودن یعنی شخصیت را بهترین نحو ارائه دهم، با آن تاحدی درگیر نشد. گاهی شاید برای مردم شخصیتی لچکسپ نباشد اما زمانی که همین تنفس را باور می‌کنند، من فکر می‌کنم که با همراهی دولت این اراده راست آمد. یعنی تعلیقی که برای مخاطب به دنبال میزان خباثت شعبان و جهان رخ می‌دهد، شان دهنده آن است که در اجرای این نقش به بپراهه نرفتم.

**شوواری‌های خبیث بودن:** به هر حال ارائه قابل باور چنین شخصیتی با همه تفکری که باید در مخاطب ایجاد شود، باید از اینجا اذیت بروج و ذهنه داشت.

بری من - سی ایت روی و سیم  
اما دانستم که درکل خروجی کار مطلوب خواهد  
ودواین عامل خودش انگیزه محسوب می شد. من در  
مان تصویرداری به آقای تحولیان (تهیه کننده سریال)  
همیشه می گفتم که فقط جلوی دورین با این کاراکتر  
غمراحت نیستم و مثل هر بازیگر دیگر روزهایی که کارهم  
بدارم، همچنان درگیر آن کنش و واکنش‌های شعبان  
جهان بودم و مدام آنها را بررسی می کردم تا  
به بهترین و واقعی ترین شکل که این شخصیت‌ها  
اید داشته باشند، برسم. جریانی که نزدیک  
ده دوسال ادامه داشت و تامادت‌ها همراه  
من بود. به همین خاطر واقعاً سعی کردم  
با بهترین نحو از عهده اجرای آن بربیایم.  
میدوار هستم که بینندگان هم در این سری  
ز تماشای مجموعه لذت ببرند و مارا با این  
وجههای حمامیات کنند.

پیک بررسی اجمالی

**نصه:** از نظر داستان کلی، از سرنوشت موضوع جدیدی ندارد اما در جزئیات با همین قصه نه چندان غریب، حرف‌هایی برای گفتن دارد که مکتر از چنین زاویه‌ای سراغ آن رفته است. مثل همراه شدن با مقطع نجوانی دور فیق، زمانی که اغلب در کارهایی که ویژه‌گروه سنی خاص، نسبت سریع آزادی داده شده.

**بازیگران:** در اولین فصل این سریال بازی دوکودکی که امروز جوانی شان را می بینیم، تا حد زیادی توانست نگاه هارا به خودش جلب کند. در فصل اول نقش این شخصیت ها را دوکودک به نامهای امیرضا فرامرزی و راستین عزیزپور ایفا می کردند و انصاف اتوanstند بازی قابل باوری را رائه کنند. در فصل دوم و برای نوجوانی آنها هم که کیسان دیباچ و دارای حیاتی آمدند، دو انتخابی که در مورد سهراب از نظر ظاهری نزدیک تر به کودکی او بود و از نظر ویژگی ها هم برای هاشم این اتفاق طبیق بیشتری داشت. در اواقع کمبودهای در اجرای این مقطع برای شخصیت های اصلی قصه وجود داشت اما همه مخاطب آنها، ابا همان، شکا، بدبخت، یاو، کرده تمثیلست تا آنها همراه شدند.

**ریتم و روند ماجراها:** در مورد سرعت پیشرفت قصه برای هر دو فصل هم نگاه‌های مختلفی وجود دارد. باز هم در کل می‌شود گفته که سری اول سریع‌تر جلویی رفت و خرده داستان‌های بیشتری که درگیر اطنان نشند داما فصل دوم گاهی بعداز اوج یک ماجرا، در نقطه فرود تا حدی باقی می‌ماند و این باعث کشدار شدن قسمت‌هایی از مجموعه شد. جریانی که گویا قرار است در فصل ۳ کمتر شاهدش باشیم.

**کارگردانی:** داشتن دو کارگردان برای یک مجموعه چند فصلی جزو اتفاقاتی است که در تولیدات داخلی کمتر به آن پردازی خوریم. دو کارگردانی که بدون مشکل و در رفتان اصل ماجرا از دست شان، مجموعه‌ای را پیش ببرند و این رخداد تا حد زیادی در این سریال افتاد. البته که به هر حال در درون کار این تفاوت نگاه‌گاهی به چشم می‌خورد اما در مجموع می‌شود گفت این همکاری تا حد قابل توجه داشت. امتداد موقت تئاتری، ۱۵۰-۱۴۰ دقیقه است.

**[۵] تعامل دو طرفه با سهراب**

این که در نتیجه همراهی چندین ماهه با سهراب، چقدر از او تاثیرگرفته با برعکس روی آن تاثیرگذاشته، سوال دیگری بود که دیباچ می‌گوید: سهراب خیلی قوی، رفیق، بامار و درست است. موادی که شاید مفتر در جامعه امروز آن را ببینیم. او همیشه در مقابل هر اتفاقی بلند می‌شود و با همه سختی‌ها نامیدنی شود. ایفای این نقش هم سخت بود. با همه اینها و با وجود تفاوت‌هایی که خود من مثلا از نظر پر شر و شور بودن با سهراب دارم، چیزهایی از او در من از قبل بوده یا شاید حتی در جریان این زندگی کردن با او در من ایجاد شده، به هر حال باید بگوییم در کل هم اواز من تاثیرگرفته و هم برعکس این ماجرا در طول این مدت رخ داده است.

دیباچ در آخر هم بیان می‌کند: این خیلی نکته مهمی است که در تلویزیون هم کارهای خوبی تولید می‌شود که یک گروه چندین نفره برایش زحمت کشیده‌اند، به همین دلیل امیدوارم مردم به دوراز جو سازی‌ها و انتقادهای مدامی که وجود دارد، این مجموعه را بینند و حسابی لذت برند، چون برای آن زمان زیادی صرف شده است.

سریال شدند را راضی نگه داریم و هم فضای چذاب‌تری را به آنها ارائه دهیم. به همین دلیل همه تلاش کردیم تا کار بهتری به نسبت فصل‌های قبل ارائه کنیم و امیدواریم این اتفاق به دل بیننده‌ها هم بنشیند.

معامل بین هاشم و سهراب هم از آن مواردی است که خواه ناخواه بخشی از آن باشد اهه‌هایی که هردو به آنها عادت کردند همراه است، ارتباطی که خارج از سریال هم ادامه دارد و تبدیل به رفاقتی شده که از کیسان و دارا، یک هاشم و سهراب واقعی ساخته است. تاثیر این جریان روی کار هم مساله دیگری بود که دیباچ درباره اش عنوان می‌کند: همان طور که هر کدام از ما در این مدت به نقش‌هایمان نزدیک ترشیدیم، در مورد کیفیت ارتباط مانیز همین اتفاق افتاده و صمیمیت‌مان بیشتر شده، به همین خاطر انعکاس این دوستی در سریال خیلی طبیعی و واقعی تر شده است.

در نتیجه فکر می‌کنم چیزهای خوبی به نقش‌ها اضافه شده، چون آن همفکری کاملاً به وجود آمده است. من می‌دانم دارا چطور بازی می‌کند، کجا می‌خواهد چه واکنشی نشان دهد و این موارد که باعث می‌شود خیلی بهتر این تعامل را ادامه دهیم.